

در ویژه برنامه «رواق» مطرح شد
گسترش جغرافیای تشیع به برکت حضور امامزادگان در ایران

سایه پرچم امام هشتم(ع)، استان کرمان را در بر می گیرد
ملک سلیمانی، معطر به شمیم خوش رضوی می شود

سبک زندگی تمدن ساز رضوی
نقطه آرمانی دهه کرامت

انتظار این است که جامعه ما رنگ و بوی امام رضا(ع) داشته باشد اما این اتفاق نمی افتد مگر اینکه سبک زندگی رضوی در جای جای زندگی فردی و اجتماعی ما متبلور شود. نقطه آرمانی دهه کرامت ...
 صفحه ۳

تشریف کاروان ۱۰۰ نفره سالمندان حاشیه شهر مشهد به حرم مطهر رضوی در قالب طرح «معین الضعفا»

زیارت دلنشین پدر بزرگها و مادر بزرگها



عکس رضوی - احمد حسینی



گزارشی از حال و هوای زوج های جوان برای انجام عقد بالاسر حضرت در دهه فرخنده کرامت
به لطف آقا... بله

بایسته های نقش خانواده در تربیت اسلامی

اگر بخواهیم یک جامعه با اخلاق داشته باشیم باید آن را از خانه و توسط خانواده شروع کنیم. نقش خانواده در تمام مراحل زندگی ما قابل لمس و شناسایی است. خانواده اساسی ترین واحد جامعه است، به همین دلیل برخی از پژوهشگران خانواده را ستون فقرات یک جامعه می دانند، در واقع آن را نمونه کوچک شده یک جامعه قلمداد می کنند، به همین دلیل آمار ازدواج و طلاق، سلامت آن جامعه را نشان می دهند. همه ما نخستین چیزها را در خانواده یاد می گیریم...



نیمکت زندگی



نقاره ها خوشبخت اند!...

رقیه توسلی: می شناسمش. آقای نقاره زن حرم است. دارد آرام آرام می آید سمت چپ صحن. جایی که نشسته ام. تنها نیست. دو کودک تقریباً هفت و ۱۱ ساله هم دنبال سرش روان اند. پسرکاتی که به شکل زایدالوصفی سرخوش اند. این قدر که وقت قدم برداشتن مرتب تاب برمی دارند سمت هم و لبخند از صورت بی ماسکشان کنار نمی رود. تماشایشان می کنم. پیرمرد نقاره زن حوالی ام که می رسد، می ایستد به احوالپرسی با خانمی که بدتر می فهمم مادر بچه هاست. می شوم که می گوید: خدا حفظشان کند، در پناه امام رضا قد بکشند ان شاء الله... به کلاه و نقاره و کرنا و بام که رسیدند، اول سلام دادند به آقا... حظ بردم!... این دو جوانمرد عاشق، خدمت شما دخترم... اگر با من امری نیست بروم پی کاری. و دور می شود. آن وقت خانواده سه نفری کمی از طرف تر، با وجد شروع می کنند به گپ و گفت، و پسرها موبایل باز می کنند تا عکس ها را نشان مادر بدهند و از حاج آقای مهربان بگویند. بعد برایش از حال و هوای آن بالا می گویند که کیف دارد و خیلی بهتر است. خیلی باحال تر است، آن قدر که دلشان می خواهد یک بار دیگر برگردند آنجا. اصلاً اگر بشود نقاره دستشان بگیرند. کلاه و لباس بپوشند. و همیشه توی خانه امام رضا(ع) باشند. بعد با انگشت، اشاره می کنند به خادمی که دارد از کنارشان عبور می کند و می گویند اصلاً مثل این آقا، خوشبخت باشند! فرشته باشند!

خنده ام می گیرد و از نیمرخ می بینم که مادرشان هم خندان دست می کشد روی سرشان. نگاه می چرخانم توی جمعیت. صحن نه خلوت است، نه شلوغ. نمی توانم به فرمایش زیبای این دو کودک فکر نکنم و اساساً به حال و روز دیگری دچار نشوم. توی سرم یک کلمه می افتد به پژواک: خوشبخت... می بینم بچه ها چه عجیب و کودکانه، درست گفته اند!... واقعاً خوشبختی دور نیست... نزدیک است، همین جاست... همین جا که خادمان دارند توی نفس می کشند، همین جا که زائران مستجاب الدعوه می نشینند به خواندن زیارت امین الله. پی نوشت: الهی که خدا خوشبخت ها را زیاد کند! آن قدر که نشود آمار دقیقی از آن ها به هیچ مرکزی ارائه داد.

می شوند و برای زیارت و دعا، دست های خود را به سوی آسمان بلند کرده یا به نشانه ارادت روی سینه می گذارند. تنی چند از جوانان هم این صحنه باشکوه عرض ارادت خالصانه زائر و خادم را با دوربین گوشی های همراه خود ثبت و ضبط می کنند. در این بین، به سراغ یکی از پدر بزرگ های کاروان می روم و حالش را می پرسم.

او می گوید: امیدوارم همه مردم سلامت باشند و زیارتشان در این روزهای مبارک قبول شود. این زائر کهنسال یادی هم از گذشته های دور کرده و خدا را شکر می کند که امروز صحن و سرای رضوی چنین وسعت و حال و هوایی دارد.

سیدحسین یکی دیگر از اعضای کاروان است، این زائر کهنسال که تسبیح سبزی در دست دارد و در حال ذکر صلوات است، می گوید: حضرت رضای(ع) را بسیار دوست دارم و زیارت ایشان افتخاری برایم است. امیدوارم هر چه زودتر بیماری کرونا از بین برود و همه مردم راحت به زیارت بیایند.

دارید، می گوید: به حق فاطمه زهرا(س) و جوادالائمه(ع) هر چه خودشان می خوانند نصیبم کنند.

او چادر گلدارش را مرتب کرده، همراه جمعیت صلوات می فرستد و ادامه می دهد: امروز روز خوبی است که ما شایسته دیدار امام رضا(ع) شده ایم.

طرح معین الضعفا که سابقه ای چند ساله دارد، در یک سال اخیر و به دلیل شیوع کرونا با محدودیت هایی همراه بود اما با شروع واکسیناسیون و واکسینه شدن بخشی از جامعه از جمله سالمندان، فرصت اجرای مجدد آن با رعایت دستورالعمل های بهداشتی فراهم شده است.

به گفته محمد شبان، رئیس اداره امور تسهیلات زائران حرم مطهر رضوی کاروانی که امروز به حرم آمده، شامل ۱۰۰ نفر از افراد کهنسال و معلول حاشیه شهر مشهد است که شرایط زیارت آنان با رعایت کامل دستورالعمل های بهداشتی به همت این اداره فراهم شده است. زائران حاضر توسط رابطین این اداره شناسایی شده اند و تمام هزینه رفت و آمد و پذیرایی از آنان برعهده آستان قدس رضوی است.

به سوی پنجره فولاد

پدربزرگها و مادر بزرگهایی روی صندلی های چرخدار نشسته اند و همراه با خادمان مخلص، یکی یکی از ورودی شهید نواب صفوی به پایوسی حضرت مشرف می شوند. وقتی همگی زائران در صفوف منظم با رعایت فاصله گذاری اجتماعی قرار می گیرند، کاروان به طرف صحن انقلاب اسلامی و پنجره فولاد به راه می افتد. در این بین، نوای مداحی خادم مطهر در میان جمعیت طنین انداز می شود. بیشتر اعضای کاروان را بانوان تشکیل داده اند، مادرانی که زیر لب با امام خوبی ها را و نیازی می کنند و دعا و قرآن می خوانند.

تسبیح سبز پدربزرگ

کاروان به صحن انقلاب می رسد، گروهی از زائران و مجاوران هم همراه این دلدادگان



عکس رضوی - احمد حسینی

مادر بزرگ زیر لب یاسین می خواند

معصومه خانم از جمله این زائران است که از روستای شهرآباد همراه کاروان شده است. از او می پرسم از امام رضا(ع) چه خواهسته ای

فاطمه خانم یکی دیگر از مادر بزرگ های کاروان است؛ وقتی از او درباره حال دلش می پرسم، بغضش می ترکد و می گوید: بسیار خوشحال هستم. دوست دارم هر روز به زیارت بیایم، اما پاهایم درد می کند. او می افزاید: هر زمان که حرم مطهر مشرف می شوم سوره یاسین می خوانم و آن را نثار همه کسانی می کنم که در کنار حضرت رضای(ع) آمده اند.

روایت مجازی



با هم و در کنار هم هستیم

این روزها انتخابات و حاشیه های آن داغ ترین سوژه فضای مجازی است. در میان تحلیل های مختلفی که در این فضا توسط کاربران مختلف مطرح می شود، شهره پیرانی، همسر شهید داریوش رضایی نژاد از شهدای هسته ای کشور نیز پس از شرکت در انتخابات دلنوشته ای را با مخاطبان صفحه اش به اشتراک گذاشته است. شهره پیرانی با انتشار تصویری از برگ مهر شناسنامه اش نوشته است:

یار بیگانه نگیرد هر که دارد یار خویش ای که دستی چرب داری بیشتر دیوار خویش... من هم اول روز گفتم جان فدای روز تو شرط مردی نیست برگردیدن از گفتار خویش برخی از دوستانم در این صفحه من را پیش از شهادت داریوش می شناسند برخی پس از آن. تجربیات و شناخت من از دنیای سیاست ایران عزیزمان پیش و پس از شهادت داریوش کاملاً متفاوت بوده است. شاید یکی از مهم ترین تأثیرات شهادت داریوش بر من این بوده که سیاست و انسان ها را در فضایی غیر تعصب آمیز و مبتنی بر شناخت خود تحلیل کنم. یک چیز برای من با شهادت داریوش مسلم شد، اگر قرار باشد دشمنان این سرزمین فردی را حذف کنند به تفکر سیاسی او نگاه نمی کنند اگر غیر این بود در آن اداره داریوش باید آخرین نفری بود که شهید می شد، ولی اتفاقاً اولین نفر شد!

من دانش آموخته علم سیاست هستم. برای خودم تحلیل دارم. تحلیل های من بی شک می تواند پایه ای علمی داشته باشد. با وجود این هیچ گاه نخواستهم تحلیل در مورد مسائل سیاسی را به شما مخاطبان عزیزم تحمیل کنم، چون بر این باورم تحلیل هر کسی از سیاست مبتنی بر تجربیات شخصی اوست و قابل احترام، اما ما در علوم سیاسی می خواهیم روند هر تغییر برای ماندگاری بایستی آهسته و پیوسته باشد تا ماندگار شود. با تمام دلخوری هایی که دارید (در برخی از آن ها من با شما همراه هستم)، با وجود تمام گله مندی ها در پای صندوق های رأی حاضر شوید. راه برون رفت از هر بحران و هر بن بست بی دروازه های همین تک رأی شما گشوده می شود. به این فکر کنید مزدورانی که از طریق تلویزیون ها و رسانه هایشان که با پول فلان دولت اداره می شوند، به ما می گویند رأی ندهید کجای دردهای ما قرار دارند؟ کجای رنج های تحریم برای بیماران و طبقه متوسط به پایین این جامعه بوده اند؟ اگر غیرت و هویت ایرانی داشتند که مزدور نمی شدند.

ما با هم و در کنار هم هستیم. این راه با همراهی همه ما هموار می شود.

